



THE STATUS OF GHANI KASHMIRI IN PERSIAN LITERATURE

* **Atiya Haider**

Abstract:

Mulla Muhammad Tahir Ghani Kashmiri is considered to be the most distinguished and great poet among the Persian poets of Kashmir. He belongs to the eleventh century A.H. He was born in Srinagar, Kashmir; and died there. Not much is known about his life except that, he was initially benefited by a poet, Mullah Mohsin Fani. During his lifetime, Ghani became famous among the poets and literary scholar of India and its surroundings. But, he did not join any court or ruler and he led a dervish life. He wrote much poetry throughout his life, but never collected it himself. After his death, his friend, Muhammad Ali Mahir collected his poetry and wrote a preface on his Diwan. Ghani wrote poetry in Subk-e-Hindi and all the characteristics of Subk-e-Hindi is shown at its peak in his poetry. His poetry is famous in Subk-e-Hindi for having distinctive thoughts and art. For this reason, all commentators and famous critics from this and that era, consider his poetry praiseworthy. This article has been written about the status of Ghani Kashmiri in Persian literature.

Keywords: Circumstances of life, Dervishi, fame, characteristics of poetry, The status of Ghani in the perspective of Persian literature commentators.

جایگاه غنی کشمیری در ادبیات فارسی

* عطیه حیدر

چکیده:

ملا محمد طاهر غنی کشمیری در میان پارسی سرایان کشمیر برجسته ترین و بزرگترین شاعری به شمار می رود. وی از قرن یازدهم هجری قمری تعلق دارد. در سرینگر (کشمیر) متولد شد و هم آنجا وفات یافت. از زندگانی وی اطلاعات فراوانی در دست نیست بجز آنکه در آغاز از شاعری ملا محسن فانی به کسب پرداخت. غنی در زندگیش نزد اهل شعر و ادب در هندوستان و اطراف آن نام آور شد. ولی با هیچ حکمران و دربار متصل نشد و درویشانه زندگی بسر برد. در طول عمر اشعار فراوان سروده، اما خود هیچگاه موفق به جمع آوری آنها نگردید. پس از وفاتش دوست وی محمد علی ماهر اشعار وی را گرد آورده و مقدمه ای بر دیوان وی نگاشت.

غنی در سبک هندی شعر سروده و سبک هندی با همه ویژگی ها در شعر او به اوج خود جلوه می نماید. شعر وی از لحاظ دارای طرز مخصوص در فکر و فن در سبک هندی معروف است. به همین علت همه تذکره نویسان و ناقدان سخن معروف از آن عصر و این زمان شعر وی را مورد تحسین قرار می دهند. این مقاله درباره جایگاه غنی کشمیری در ادبیات فارسی نوشته شده است.

واژه های کلیدی: احوال زندگانی، درویشی، شهرت، ویژگی های شعر، جایگاه غنی کشمیری در نظر تذکره نویسان و ناقدان سخن.

مقدمه:

ملا محمد طاهر غنی کشمیری از شاعران فارسی‌گویان کشمیر و از بزرگان شعر است. وی را تذکره نویسان در هند یکی از بزرگترین شعرای زمان خود در سبک هندی به شمار آورده‌اند. در آن روزگار شاعران معروف سبک هندی مثل صائب تبریزی، قدسی مشهدی، سلیم تهرانی و کلیم کاشانی بودند که آوازه بلند در هندوستان و ایران داشتند. ولی غنی کشمیری در میان آنها با شیوه خاص خود در سبک هندی جایگاه بالا و شایسته یافت. برای همین چون صائب تبریزی مسافرت به کشمیر کرد به ستایش سخن غنی اشعار وی را خواست و آنها را در بیاض خود شامل کرد.

پیش از آنکه درباره مقام شعر غنی آرای تذکره نویسان و ناقدان سخن را تعریف کرده بشود، اول اجمالاً ذکر احوال زندگی وی کرده می‌شود.

اسم و تولد و خانواده:

اسم کامل وی ملا محمد طاهر معروف به غنی کشمیری است.

دکتر ظهور الدین احمد در تاریخ ادب فارسی در پاکستان می‌نویسد:

"به طور قطع روشن شده که اسمش محمد طاهر و از قبیله واشایی بوده است. در آغاز شاعری طاهر تخلص داشت اما بعداً معمولاً غنی تخلص می‌کرد." (احمد، دکتر ظهورالدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۲)

وی در سال ۱۰۱۰ هـ.ق در شهر سرینگر ولادت یافته است.

ملا محمد طاهر، سرینگر (کشمیر) ۱۰۱۰- همان جا ۱۰۷۹ ق، شاعر فارسی‌گوی شبه قاره (انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، مقاله نگار: اختر رسولی، ۱۳۸۰: ۱۹۰۰)

دکتر احمد تمیم داری می‌نویسد:

"طایفه وی در اصل از خراسان بود افراد آن طایفه به همراه میر سید علی همدانی (۷۱۴-۷۸۶ هـ.ق) به کشمیر مهاجرت کردند." (داری، دکتر احمد تمیم، ۱۳۷۳ش: ۵۲۱)

احوال زندگی:

غنی در آغاز جوانی نزد ملا محسن فانی (- ۱۰۸۹ ق) شاعر معروف، به فراگیری دانش پرداخت. (انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، مقاله نگار: اختر رسولی، ۱۳۸۰: ۱۹۰۰)

او از شاگردان محسن فانی بود. (غنی، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش مسلم صنعی، ۱۹۱۵م: ۵)

دکتر ظهور الدین احمد می‌نویسد:

"از ابیات و اشعار خود غنی کشمیری نیز شهادت داخلی درباره زندگی و سنین عمرش می‌توان به دست آورد." (احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷: ۲۸۲)

دکتر احمد تمیم داری می‌نویسد:

"در تحصیل دانشهای گوناگون کوشید و با وجود جوانی که داشت در کمال درویشی و بی‌تعلقی به سر می‌برد و در سعی روزی خود را از دست نمی‌داد. چنان که سرود:

سعی روزی بر نمی‌دارد مرا از جای خویش

آبرو چون شمع می ریزم ولی در پای خویش"

(داری، دکتر احمد تمیم؛ ۱۳۷۳ش: ۵۲۱)

چنان به نظر می رسد که همه زندگی اش به درس و تدریس گذشت و شاید از این طریق نان خود را به دست می آورد. او خود می گوید:

به سر بردم غنی هر چند عمر خود به مکتب ها

نیاوردم ز خط سر نوشت خویش سر بیرون

یک مرتبه او به علت درد زیاد از مشاغل درسی باز مانده بود. ذکر این واقعه را چنین می

آورد:

افتاده ام از درس ز درد اعضای

کو شاگردی که مالد اعضای مرا

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۳)

دکتر ظهور الدین احمد در تاریخ ادب فارسی در پاکستان می نویسد:

"صایب تیریزی، شاعری بزرگ و نامور ایران همراه با ظفر خان احسن، استاندار کشمیر در سال ۱۰۴۳ هـ وارد منطقه کشمیر گردید و او از ابیات و اشعار غنی کشمیری بسیار متأثر شد. او در پیروی از غنی، غزلی را سرود".

با مقطع زیر:

در جواب آن غزل صائب، که می گوید 'غنی'

یاد ایامی که دیگ شوق ما سر پوش داشت

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۲)

دکتر عبدالحسین زرّین کوب در 'سیری در شعر فارسی' می نویسد:

"بنا بر مشهور از همان اوایل عمر با آنکه از علوم از آنچه می توانست برای وی مایه جاه و اعتبار باشد بهره ای داشت در کمال بی تعلقی می زیست. گویند در معیشت اهل قناعت بود و به همین سبب با آنکه دستگاه و مکنتی نداشت، خود را غنی می خواند و به اهل قدرت و مکننت سرفروود نمی آورد." (زرّین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱ش: ۱۲۲)

"غنی با غنای طبع، در سراسر حیات خویش گوشه درویشی را اختیار می کند و از صحبت حکام و تعینات زندگی دوری می گزیند. سادگی و بی پیرایگی و قناعت طبع و ذوق و حالی که از کیفیت این وارسنگی ملازم وجود وی بوده، در جای جای اشعارش نمودار است." (غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کریمی، ۱۳۶۲: ب)

مطمناً نمی توان گفت که ممر معاش او در زندگی چه بود اما آن قدر معلوم است که او خانه ای از آن خود داشت:

چون نیست به جز خانه، مرا هیچ متاعی

عیبم نتوان کرد اگر خانه بدوشم

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۳)

دکتر عبدالحسین زرین کوب در 'سیری در شعر فارسی' می نویسد:

"بر موجب افسانه ای معروف که علامه اقبال در پیام مشرق خویش آن را نظم کرده است، غنی وقتی در خانه بود، در را می بست و چون از خانه بیرون می آمد، آن را گشاده باقی می گذاشت. چون سبب پرسیدند، گفت در خانه من اگر متاع ارزنده ای هست جز وجود من نیست و چون من در آنجا نباشم چیز دیگری در آن نیست که حراست آن محتاج به بستن در باشد". (زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱ش: ۱۲۲)

دکتر احمد تمیم داری می نویسد:

"گویند پادشاه هندوستان به سیف خان حاکم کشمیر نوشت که او را روانه پایتخت کند، سیف خان او را طلبیده تکلیف کرد که به هند رود. غنی ابا نمود و گفت: عرض کنید دیوانه است! خان گفت: عاقلی را چون بگویم دیوانه است؟ او در حال گریبان خود را درید و دیوانه وار روانه خانه شد!". (داری، دکتر احمد تمیم، ۱۳۷۳ش: ۵۲۱)

غلام علی آزاد بلگرامی می نویسد که:

"غنی مدت العمر در شهر خویش گذرانید" (بلگرامی، غلام علی آزاد، ۱۹۱۳م: ۱۰۳)

دکتر ظهور الدین احمد در تاریخ ادب فارسی در پاکستان می نویسد:

"اما این سخن درست نیست. زیرا او حتماً باید مسافرت کرده باشد به همین خاطر او می گوید:

«کرده است هوای هند دل گیر مرا»

و همچنین:

برنگ آبله پایی در سفر ما را

ز شوق صبح وطن چشم تر سفید شد است"

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۴)

احمد کرمی می نویسد:

"غنی گذشته از هنر شاعری دارای فضایل و معلومات دیگر نیز بوده است، ولی ظاهراً مراتب فضل و دانش او به شهرت شاعری وی مکتوم مانده است:

ز شعر من پوشیده فضل و دانش من

چو میوه ای که بماند به زیر برگ نهان"

(غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کرمی، ۱۳۶۲: الف)

دکتر ظهور الدین احمد در تاریخ ادب فارسی در پاکستان می نویسد:

"در آخر عمر، درد و ضعف اعضای بدن، او را به عزلت و انزوا کشیده بود. اما غنی کشمیری این گونه زندگی پر از درد و فقر و تنگدستی را با همت و قناعت به سر کرد و هیچ گاه جلوی کسی دست دراز نکرد. او می گوید:

ما به فقر و فاقه خورسندیم همچو آسیا

گر رسد روزی غبار خاطر ما می شود"

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۳)

شهرت شعر غنی کشمیری:

خود غنی کشمیری احساس داشت که شهرت شعر او تا دورا دور در هندوستان رسیده است. بیت زیر نیز در همین رابطه نوشته شده است:

غنی چرا صله شعر از کسی گیرد

همین بس است که شعرش گرفت عالم را

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۵)

احمد کرمی در پیشگفتار دیوان غنی می نویسد:

"غنی در حیات خویش آوازه بلند یافته و شعر او و نام او در سراسر هندوستان و در نزد اهل ادب و سخن اشتها کامل داشته است، چنانکه خود نیز بدان اشارتی دارد:

چنان نام من روشناس است در هند

که نقش نگین درمیان سیاهی"

(غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کرمی، ۱۳۶۲: الف)

وفات:

دکتر ظهور الدین احمد می نویسد:

"شاگرد وی به نام محمد مسلم که گرد آورنده دیوانش نیز بود، از کلمات 'حی غنیاً' و 'پنهان شدن گنج هنری زیر زمین' تاریخ وفات وی را در آورده است". (احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۳،

غنی، ملا محمد طاهر، دیوان غنی، بکوشش مسلم صنعی، ۱۹۱۵م: ۵ و ۶)

دکتر عبدالحسین زرین کوب در 'سیری در شعر فارسی' می نویسد:

"غنی در آخر عمر مویش از پیری سفید شده بود و از حلیه بصر هم ظاهراً عاری شده بود. خود او درین باره می گوید:

به چشم خود نتوان دید صبح پیری را
 خوشم که دیده ز مو پیشتر سپید شده است
 بگذشت عمر و موی سفیدی به جا گذاشت
 خاکستری ز قافله بی یادگار ماند

وفاتش هم سنه ۱۰۷۹ بر اثر بیماری خناق یا اسهال واقع شد و درین هنگام بر خلاف دعوی کسانی که گفته اند در عین جوانی مرد دوران پیری را می گذرانید". (زرین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱ش: ۱۲۲)
 دکتر گرداری لعل تیکومی نویسد:
 "وی در مقبره خانوادگی در شهر راجوری کدل(پل) نزدیک مقبره حسن بلادوری مدفون است". (تیکو، دکتر گرداری لعل، ۱۳۴۲ش: ۳۶)

آثار غنی کشمیری

دیوان:

پس از در گذشت وی دوست او محمد علی ماهر (۱۰۸۹ق) اشعارش را گرد آورد و مقدمه ای بر آن نوشت. (انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، مقاله نگار: اختر رسولی، ۱۳۸۰: ۱۹۰۱)
 نسخه ای از دیوان وی در مطبع نامی "نول کشور" در لکهنو به مقدمه مسلم صنعی در ۱۹۱۵م طبع گردید و نسخه ای هم در مطبع کوه نور پریس دهلی به چاپ رسید. در مدراس نیز مزین به طبع گشت و در تهران دیوان غنی کشمیری برای نخستین بار در سال ۱۳۶۲ شمسی به کوشش احمد کرمی منتشر گشت. این دیوان شامل غزلها، رباعی ها، مثنویها، مقطعات و ابیات متفرق و پراکنده است.
 "از او دیوانی نزدیک به ۱۳۰۰ بیت از غزل، رباعی و ابیات پراکنده به یادگار مانده است. دیوان غنی یک بار در ۱۸۴۵م و بار دیگر در مدارس چاپ شد. این دیوان در ۱۳۶۲ ش در تهران نیز به چاپ رسیده است". (انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، مقاله نگار: اختر رسولی، ۱۳۸۰: ۱۹۰۱)

سبک و ویژگیهای شعر غنی کشمیری

شعر غنی، شعر یست با همه خصوصیات سبک هندی. تغییرات و اصطلاحات و ترکیبات، نازک بندی ها و ارسال المثل های ویژه آن سبک و مضامین باریک گاه آمیخته به تعقید و ابهام در بسیاری از اشعار متجلی است. باین همه گاهی سخنی به لطافت و روانی نسیم و روشنی آب زلال می آورد". (غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کرمی، ۱۳۶۲: الف)
 دکتر احمد تمیم داری می نویسد:

"غنی شاعر توانای پارسی گوی هند بود، باریک اندیشی و مضمونهای اعجاب انگیز در اشعار او فراوان است و سبک مشهور به هندی نیز در سروده های او به کمال است". (داری، دکتر احمد تمیم، ۱۳۷۳ش: ۵۲۲)

دکتر ظهور الدین احمد در تاریخ ادب فارسی در پاکستان می نویسد:

"تذکره نویسان، چیزی را که معنی یابی و خیال بندی و سبک مخصوص می گویند، همان سعی و تلاشی است برای آوردن مضامین تازه دیگر در شعر. شاعر برای رنگ آمیزی کردن شعر خود، صنایع لفظی را به کار می بندد و طبق سنت قدیم تجنیسات و اصطلاحات و رعایات لفظی را می آورد. غنی کشمیری نیز برای آوردن و ساختن ابیات بدین شیوه، مهارت خاصی را نشان داده است. و برای آوردن مضامین بکر و تازه شیوه تمثیلی را به کار بسته است. او در یک مصرع، بیت، کلمه یا قول یا مقوله حکمت و پند آمیز را می آورد و آنگاه در مصرع دوم برای تصدیق و تایید آن تمثیل را پیش می کشد. مهارت و استادی غنی در آوردن تمثیل، بی نظیر است او از مطالعه و مشاهده حیات و کاینات و طبیعت چنان مثال هایی را پیدا می کند که انسان با خواندن آنها احساس شادی و تعجب می نماید. از مثال زیر، این امر بیشتر روشن می شود:

بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابلهی است

پای بوس سیل از پا افکند دیوار را"

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۷)

قندیل عائشه در مقاله خود می نویسد:

در شعر غنی مانند شعر هر صاحب سبک دیگری بیت ها و مصراع های معروف که مثل سایر شده باشد، فراوان است. غنی از معدود گویندگان فارسی شبه قاره است، بر همین سبب امثال در شعر غنی نسبت به بسیاری از شاعران دیگر شبه قاره فراوان تر است. نمونه است:

هر کس که دید روی تو دیوانه می شود

آئینه از رخ تو پری خانه می شود

(عائشه، قندیل، دوره تحصیلی: ۲۰۰۳-۲۰۰۵م: ص ۸)

غنی از آوردن مضمون مکرر در شعر خود اجتناب می کند و خود نیز بدین معنی اشاره می

کند:

در مکرر کردن مضمون رنگین لطف نیست

کم دهد رنگ ار کسی بندد حنای بسته را

(غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کرمی، ۱۳۶۲: ح)

غنی در قصیده و مثنوی موفقیتی ندارد. رباعیات او متوسط است. غنی بیشتر در قالب غزل طبع آزمایی کرده است، اما اشعار به هم پیوسته در حد غزل کامل کمتر دارد. بیشتر مضامین خود را در قالب تک بیتی آورده عموماً غزل های وی از نظر تعداد ابیات میان چهار تا نه بیت است. اغلب غزلیات وی دارای ردیف اند. (عائشه، قنديل، دوره تحصیلی: ۲۰۰۳-۲۰۰۵م: ۸ و ۹)

غنی اشعار به هم پیوسته، در حد غزل کامل، کمتر دارد، بیشتر مضامین خود را در قالب تک بیتی آورده است و گاه در دو یا سه بیت و به صورت غزلی ناتمام سخن را تمام می کند. (غنی کشمیری، ملا محمد طاهر، دیوان غنی کشمیری، به کوشش احمد کرمی، ۱۳۶۲: ح)

غنی شاعر عشق، عرفان، اخلاق و اجتماع است. وی در سایر غزلیات نیز جای جای به مسایل عاشقانه، اخلاق و عرفان پرداخته و تفکر خویش را در این گونه زمینه ها بیان کرده است. عرفان او گوشه گیری از اجتماع نیست، بر همین سبب به مسایل اجتماعی عصر خویش بی توجه نبوده است. مضامین مختلف و خیال انگیز در شعر وی فراوان است. (عائشه، قنديل، دوره تحصیلی: ۲۰۰۳-۲۰۰۵م: ۳)

جهان غنی کشمیری، خلوت گزینی و بی تعلقی به اسباب مادی و دنیای قناعت و تواضع و توکل است. این کاینات وی جهان پستی و ذلت و دون همتی و گدایی نیست، بلکه دنیای سرفرازی و استغنا و عالی همتی می باشد. می گوید:

غنی اگرچه فقیر است همتی دارد
 فشانده است به کونین دست خالی را

غنی از سعی و کوشش و تلاش توفیق می کند و همچنین دعوت به تحمل خطر و بلا می دهد. او عقیده دارد که عرفان بدون عبادت و ریاضت به دست نمی رسد:

بی ریاضت نشود نشه عرفان حاصل
 من از قدم سعی به مقصود رسیدم

هر آبله پای مرا قبله نما شد

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۸)

جایگاه غنی کشمیری در نظر تذکره نویسان و ناقدان

سخن

غنی کشمیری را بهار کشمیر می گویند و شاعر پارسی مثل او از سر زمین کشمیر بر نخاست. دیوان غنی جا بجا ابیات بی نظیر و بی مثل و پر از حکمت و دانائی دارد. همین بلاغت سخن و فصاحت کلام توجه سایر تذکره نویسان و ناقدان سخن را به خود جلب کرد. ایشان کلام غنی را توصیف می کنند و درباره وی چنین رایزنی می کنند.

محمد افضل سرخوش در "کلمات الشعراء" می نویسد:

محمد طاهر غنی، صاحب طبع عالی بود، پایه سخنوری را بدرجه کمال رساند. از خطه کشمیر بلکه از اقلیم هند همچو او، خوش خیال، نازک بند، معنی یاب، برنخاسته. دیوانش را که سراپا انتخاب است میرزا محمد علی ماهر ترتیب داده، چنانچه دیوان مولوی ناصر علی را فقیر تدوین نموده.

اکثر شعرش به طرز ایهام است. و غنی تاریخ ابتدای شعر گفتن و تخلص یافتن اوست. روزی

مطلعی تازه گفته پیش شاه ماهر خواند:

بی چراغست اگر بزم خیالم غم نیست

مصرعی ریخته شمعی ست که در عالم نیست

شاه نظر بر ایهام او شوخی نموده گفت. مصرع ریخته که در عمر گفته باشد همین خواهد بود. این چند شعر انتخاب نموده میر معز موسوی است:

فراغتی به نیستان بور یا دارم

مباد راه درین بیشه شیر قالی را

با دامن تر شدم به محشر

گفتند در آفتاب بنشین

می نوازد ساز عیش آندم که طالع یافت قوت

باشد از پای مگس مضراب تار عنکبوت

(سرخوش، محمد افضل، ۱۹۴۲م: ۸۳ و ۸۴)

گویند صایب بر یک بیت او رشک آن قدر می برد که می گفت ای کاش آنچه درین عمر گفته ام به این کشمیری می دادند و این بیت او به من می دادند:

غنی:

حسن سبزی بخت سبز مرا کرد اسپر

دام هم رنگ زمین بود گرفتار شدم

حکیم صاحب از روی این شعر معنی پیدا کرد و فقیر نیز هر دو نوشته می شود:

حکیم:

خط سبز آفت جان بود نمی دانستم

دام در سبزه نهان بود نمی دانستم

سرخوش:

خوردم ز خط فریب جمال عذار او

همرنگ سبزه بود لباس شکار او

(سرخوش، محمد افضل، ۱۹۴۲م: ۸۵)

شیر خان لودی در "مرآت الخیال" می نویسد:

ملا محمد طاهر کشمیری غنی تخلص داشت و این اسم را صفت ذات خود ساخته. در عین بی دستگاهی به کمال جمعیت می گذارنید، همواره چون زمره بآب خود سر سبز بوده، از شان ابر و شوکت دریا فراغت داشتی، و برنگ مروارید در صدف بیاس آبرو مقید بودی. اشعارش مانند گل‌های کشمیر همواره با طراوت، معنی و طرز کلامش چون کلام خوبان پیوسته با حلاوت واردات او را معنی خاص بسیار است، و مضامین تازه بی قیاس. شاگرد شیخ محسن فانی بود، به مدد طبع دراک در فنون و علوم بر استاد چیره دستی می نمود. هر گاه شیخ را مسئله مشکل شدی، از وی استفسار نمودی. اما مرغ روحش در عین شباب بسر پنجه شاهین اجل گرفتار گردید، و در سفر واپسین نیز بر استاد سبقت گزید. با این ضیق فرصت، آنچه از طبع و قادش سرزده بود، امروز در ایران و توران و سواد هندوستان بر افواه و السنه جاری است. و این بیت از غیب دانیهای اوست:

نه گردد شعر من مشهور، تا جان، در تنم باشد

که بعد از مرگ آهو، نافه بیرون می دهد، بو را

محمد علی ماهر - متبنای میرزا جعفر معمایی - در تاریخ وفاتش این قطعه نظم کرده است:

چو دانش فیض صحبت شیخ کامل (محسن فانی)

(غنی) سر حلقه اصحاب او در نکته دانی شد

تهی چون کرد بزم شیخ را، گردید تاریخش

که: آگاهی سوی دار بقا از دار فانی شد

گویند: عنایت خان پسر ظفر خان ناظم صوبه کشمیر دعوی کرد: شعری که از یک مرتبه خواندن یا شنیدن بفهم من در نیابد، بی معنی است! چون غنی شنید، این دعوی از وی نپسندید، و گفت. تا حال اعتمادی بر

شعر فهمی عنایت خان داشتیم، امروز آن اعتماد بر خاست! و بعد از آن هیچگاه با خان مذکور، ملاقات نکرد. (لودی، شیر خان، ۱۳۷۷ش: ۱۴۲-۱۴۳)

سراج الدین علی خان آرزو در "مجمع النفائس" می نویسد:

ملاطاهر غنی، از کشمیر جنت نظیر بود. شاگرد شیخ محسن فانی است، که او نیز از شعرای زبردست و فاضل بود.

گویند: چون کسی از هند وارد ایران می شد، مرحومی میرزا صائب می فرمود که: برای ما تحفه از هند آورده؟ و آن عبارتست از اشعار غنی. و نواب وحید الزمانی طاهر وحید دیوان او را هیکل بازوی خود ساخته بود. مثل اوئی، از کشمیر چه که از ملک دیگر، نیز در متاخران، کمتر خاسته. در بستن مضامین تازه و بندوبست معانی نو، و صفای عبارات، از همعصران بلکه از اکثر گذشتگان پیشقدم است. دیوانش اگرچه مختصر است اما، در تعریف فصاحت و بلاغت کلامش، سخن مطول می گردد.

جناب میرزا صائب، دو صد بیت از دیوان او انتخاب زده در- سفینه- خود نوشته و تا حال بیاض مذکور پیش بعضی هست. بنام انصاف مرزای مرحوم را، والا قلقچیان حال ایران- صاحبان گنج باد آورد- کلام هندی را، بخاطر نمی آرد. گویند! باطن اغنیای معنی، بکمر ایشان خواهد زد، و سخن خود بداد خود خواهد رسید. (آرزو، سراج الدین علی خان، ۱۳۸۵ش: ۱۱۶۶)

کشن چند اخلاص در: "همیشه بهار" می نویسد:

آراسته باطن و ظاهر، ملاطاهر غنی تخلص، متوطن کشمیر، نغمه سرای بوستان سخن بوده. تا حال همچو شاعر معنی بند از آن خطه دلپذیر بر نخاسته، بلکه از سواد هند نیز بر نیامده. زمین سخن رنگین کرده اوست و بحر شعر آب داده او. در غزل نویسی سواد از چشم غزالان باج می گیرد، و در قصیده از قصد های بلند بر سر سخن تاج می گذارد. در رباعی مربع نشین چار بالش اورنگ سخن است، و مصراعش مانند طره غیرت خوبان دلآویز، و هر مطلعش بسان بیت ابروان گرویان فتنه انگیز. دیوانش که دیوانیان سخن را دستور است، از اول تا آخر سیر کردم، مصرعی به نظر نیامد که خالی از ادا و تشبیه و ایهام باشد. غرضیکه خلعت شاعری، بر قامت آن سخن آفرین زیبا و رساست.

گویند در حالت نزع ملاطاهر غنی، شعرای کشمیر به خانه او جمع آمدند. غنی گفت که: چراغی بودم که میباید خاموشم شد. شما را به خد امی سپارم. شاعری گفت: ای مولوی! بگذار تا انگشتی بچراغت چرب کنیم! شاید به کار عمرت آید و نور حیات بیفزاید! (اخلاص، کشن چند، ۱۹۷۳م: ۱۷۷)

میر دوست حسین حسینی سنبهلی در "تذکره حسینی" می نویسد:

غنی: شاعر ماهر بکفنی محمد طاهر غنی. آب و رنگ گلستان سخندانی ست، و شاگرد محمد محسن فانی. مرد قانعی بوده. گویند: میرزا صائب این مطلع او را شنیده عزم کشمیر نموده:

موی میان تو بود، اگر الین

کرد جدا کاسه سررا ز تن

و دریافته پرسید که: اگر الین مگر نام رشته ایست که کوزه گران کاسه را از چراغ بدو جلوه میسازند. گفت: بلی! باز غنی دیوان خود را- که از لک بیت برگزیده و هزار بیت بیافتی نگاهداشته و باقی را بآب داد- پیش میرزا گذاشت. میرزا از مطالعه او بغایت محظوظ شد. خصوصاً برین بیت حسرتها خورد و گفته: کاش! این همه که در تمام عمر خود گفته ام به این کشمیری میدادند و این یک بیت به من می دادند! (سنبهلی، میر دوست حسین حسینی، ۱۲۹۲: ۲۲۸-۲۲۹)

مرزا محمد طاهر نصر آبادی در "تذکره نصر آبادی" می نویسد:

غنی کشمیری، محمد طاهر نام داشته، در تحصیل علوم سعی نموده، باوجود حوادث سن، در کمال بی تعلقی بوده، چشم بر زخارف دنیا. که در نظر عارف قدر پر گاهی ندارد. نکشوده، بعلت آن، غنی معنوی هم بوده.

از صحیح القولی مسموع شد که پادشاه والا جاه هندوستان بسیف خان حاکم کشمیر نوشت که: او را روانه پای تخت نماید! سیف خان او را طلبیده تکلیف رفتن به هند نمود، او ابا نموده گفت که: عرض کنید که دیوانه است! خان گفت:

عاقلی را چون دیوانه بگویم؟ او فی الفور گریبان خود را دریده دیوانه وار روانه خانه شد. بعد از سه روز فوت شد. حقا که درست سلیقه و غریب خیال بود. اشعارش همگی لطیف است. (نصر آبادی، میرزا محمد طاهر، ۱۳۶۱: ۴۴۵)

علی قلی واله داغستانی در "ریاض الشعراء" می نویسد:

محمد طاهر غنی، از مردم کشمیر بوده. در زمانی که ظفر خان احسن ناظم صوبه کشمیر بوده و میرزا صائب به تکلیف خان مزبور آنجا وارد شد، غنی مرحوم صحبت میرزا را دریافته. و با ابو طالب کلیم و حاجی محمد جان قدسی در همان اوان صحبتها داشته.

غرض که، درستی زبان و روانی الفاظ و لطافت معانی او، مقبول همه بوده. و الحق از خطه کشمیر مثل او کسی بر نخاسته. در اوایل جلوس عالمگیر پادشاه وفات یافت. دیوانش تخمیناً دو هزار بیت است و این بیت ازوست:

غنی روز سیاه پیر کنعان را تماشا کن
 که روشن کرد نور دیده اش چشم زلیخا را

(داغستانی، علی قلی واله، ۱۳۸۴: ۱۵۴۴، ۱۵۴۵)

محمد قدرت الله گوپاموی در "نتائج الافکار" می نویسد:

"رنگ بخش گلشن دلپذیری، ملا محمد طاهر غنی کشمیری که گل وجودش بعد به هم رسانی رنگ و بوی رشد و تمییز، در بهارستان درس ملا محسن فانی کشمیری در آمد و در مدت قلیل به طبع سلیم چمن چمن استعداد شایسته به هم رسانید و دامن دامن گل های لیاقت بایسته فراچنگ گردانید و در مراتب نظم به فکر رنگین شانی عظیم پیدا کرد و از معدن طبع متین جواهر نازک خیالی به کف آورد. کلامش در تمثیل گویی بی نظیر است و اشعار آبدارش یکسر دلپذیر، و باوجود بی برگ و نوایی به کمال استغنا و جمعیت خاطر می گذرانید و تخلص "غنی" بر نام نامیش زیبا گردید. بیتی چند از آن در این اوراق ایراد یافت.

چو میل سرمه بر آمد ز چشم جانان گفت
 که سیر میکده شوید غبار خاطرها

بر تواضع های دشمن تکیه کردن ابلهی ست

پای بوس سیل از پا افکند دیوار را

(گوپاموی، محمد قدرت الله، ۱۳۸۷ش: ۵۵۴)

غلام علی آزاد بلگرامی در "سرو آزاد" می نویسد:

غنی، ملا محمد طاهر اشوئی کشمیری. اثنی قبیله ایست از قبائل معتبر کشمیر. از بدو شعور در حلقه درس ملا محسن فانی کشمیری تلمذ نمود. چون طبع بلند داشت در کمتر روزگار حیثیتی شایسته بهم رسانید. آخر بغواصی بحر سخن افتاد و جواهری که به نقد جان توان خرید بیرون آورد. (بلگرامی، غلام علی آزاد، ۱۹۱۳م: ۱۰۳)

دکتر گرداری لعل تیکومی نویسد:

"شعر او مورد تقلید مکرر معاصران و متأخرین قرار گرفت. او تنها شاعر فارسی سرای کشمیر است که مورد تحقیق قرار گرفته". (تیکو، دکتر گرداری لعل، ۱۳۴۲ش: ۳۶)

آفتاب رای لکهنوی در "ریاض العارفین" می نویسد:

"یعنی محمد طاهر غنی کشمیری، که از تلامذه شیخ محسن فانی و معاصر میرزا صایب تبریزی و محمد علی ماهر این مصرعه معاً:

که: آگاهی سوی دارالبقا از دار فانی شد

تاریخ وفاتش گفته. منه:

قاصد چه احتیاج که طومار اشتیاق

چون باز شد رسد ز درازی بکوی دوست

تکمه نبود که سرا زجیب برون آورد است

جامه ات کوی ز پیراهن یوسف برداشت

عذر در راه وفا پیش نخواهد رفتن

بر سر عذر میا بر سر رفتار بیا

حلقه در نگر و روزن دیوار به بین

چشم بر راه تو دارد در و دیوار بیا
 .
 نمی کند بمن ناتوان نگه، آن شوخ
 .
 زبیم آنکه نگویند، ناتوان من است
 .

(لکهنوی، آفتاب رای، ۱۹۷۲م: ۶۲)

دکتر عبدالحسین زرّین کوب در "سیری در شعر فارسی" می نویسد:
 "به هر حال بسیاری از تذکره نویسان هند خاطر نشان کرده اند که در آن عهد از اهل کشمیر بلکه از تمام هند همچو او شاعری برنخاسته است. به اعتقاد خان آرزو، در بستن مضامین تازه و در صفای عبارت از همعصران بلکه از اکثر گذشتگان پیشقدم بوده است. در زمانی که ظفر خان احسن صوبه دار کشمیر بود، غنی با وی و با صایب و کلیم آشنایی یافت. گویند صایب به سخن او اعتقادی به هم رساند و در بازگشت به اصفهان چون کسی از هند می آمد از وی پرسید از شعر غنی چه ارمغان آورده ای؟" (زرّین کوب، عبدالحسین، ۱۳۷۱ش: ۱۲۲)

دکتر ذبیح الله صفا در "تاریخ ادبیات در ایران" می نویسد:

"اما حق این است که غنی را از جمله شاعران و سخنورانی در هند بدانیم، که بشیوه سخن گویان عهد، توانسته است خوب از عهده بیان خیالهای دقیق خود در زبان استعاره و ایهام برآید. سخنان خیال انگیز و نکته های بر معنایی که قالبهای لفظی از افاده مقصود آنها عاجز باشند در شعر او کم نیست. چاشنی عرفان بگفتارش غالباً جلوه های دلپذیر می دهد. با آنکه از زمانه فرصت کافی نیافت در طی مدارج سخنوری دور از توفیق نبود. (صفا، دکتر ذبیح الله، ۱۳۷۳: ۱۲۵۷)

دکتر احمد تمیم داری در "عرفان و ادب در عصر صفوی" می نویسد:

"ناقدان سخن او را به نازک اندیشی و سرودن مضمون های خیالی و دقیق ستوده اند. میر عبدالرزاق خوافی در بهارستان سخن آورده است که: طرز کلامش حلاوتی و بهار اشعارش طراوتی دارد که زبان قلم و قلم زبان در بیان آن لال است. معانی خاص و مضامین تازه ای که بیشتر به طرز ایهام است در اشعار وی یافته می شود، که در کلام هیچ یک از موزونان عالی فکر پیدا نیست. الحق او پایه سخنوری و درجه بلند سخن را به جایی رسانیده که مستعدان صاحب کمال در پیروی و تتبع آن به قدری عرق ریزی و سعی به کار می برند تا خود را اندکی بدان آشنا می سازند. چنین معنی بند خوش قال و مدعا و مثل گوی نازک ادا از خطه کشمیر بلکه تمام اقلیم هندوستان بر نخاسته". (داری، دکتر احمد تمیم، ۱۳۷۳ش: ۵۲۱)

دکتر ظهور الدین احمد در "تاریخ ادب فارسی در پاکستان" می نویسد:

غنی کشمیری قابل ستایش و مستحق قدر و احترام است. زیرا تجربیات و مشاهدات حقایق جهانی را کشف کرده، بلکه اشاره هایی به رموز حیات و زندگی نیز دارد، به علاوه نصایح مفید کرده است. او اصول و قواعدی برای رفتار و سلوک خوب با همسایگان و هم جنسان خود و کمک به یکدیگر را چنین بیان می دارد:

سعی بر راحت همسایگان کردن خوشست

دست کسی بگیر اگر دست می دهد

نیز می نویسد:

نام غنی کشمیری بدین لحاظ نیز همیشه روشن و پا بر جاست که او روش تمثیل را در شبه قاره به اوج کمال رساند و همین روش، معراج شعر وی است. این فن بسیار مشکل می باشد. زیرا آوردن دلیل منطقی و مناسب برای هر گفته ای، کار هر کسی نیست و برای این کار دقت نظر و کاوش ذهن، ضروری است. غنی، درباره آئینه، دریا، موج، حباب و به ویژه آسیا و آسیاب، مثال های زیادی آورده است. او برای نشان دادن قدرت و مهارت خویش در زبان و اصطلاحات روزمره را به روش خوب به کار برده است و هم رعایات لفظی را نیز مدنظر داشته است. مثال های زیر ملاحظه شود:

آب بر خاک زند سرکشی آتش را

مشکل بود گرفتن چیزی ز دست خلق

دست کسی بگیر اگر دست می دهد

کند هر قدم فریاد خلخال

که حسن گلرخان پا در رکاب است

(احمد، دکتر ظهور الدین، ۱۳۸۷ش: ۲۸۹)

در "دانشنامه ادب فارسی" مقاله نگار اختر رسولی می نویسد:

از نزدیکی به دربار پرهیز می کرد و در انزوا به سر می برد. وی، مانند صایب تبریزی (۱۰۷۶ق)، شاعری تمثیلی بود. برای اثبات اندیشه ای که در مصراع اول طرح می کرد مثالی در مصراع دوم می آورد تا آن را به ثبوت برساند. سبک مشهور هندی در سروده های او به کمال می رسد. آثار او را به نازکی خیال و توانایی بسیار در بیان معانی دقیق و مضامین باریک ستوده اند.

(انوشه، حسن، دانشنامه ادب فارسی، مقاله نگار: اختر رسولی، ۱۳۸۰: ۱۹۰۰، ۱۹۰۱)

دکتر محمد ریاض می نویسد:

انعکاس شعر غنی در کلام اقبال خیلی کم است ولی اقبال از غنی ارادت زیادی دارد. تنه یک نظم بانگ درا، "خطاب به جوانان اسلام" مقطع یک غزل غنی است.

غنی:

روز سیاه بپر کنعان را تماشا کن

که روشن کند نور دیده اش چشم زلیخا را

(ریاض، دکتر محمد، ۱۹۷۷م: ۲۴۵)

نیز می نویسد:

علامه اقبال در يك نامه تشبیهات غنی را توصیف نموده است و در کنار این نیز می نویسد که تشبیهات غنی مشکل، بعید از ذهن و متغائر از اصول بلاغت است. در "جاوید نامه" (آنسوئے افلاک) يك شعر تضمین شده غنی هم دیده می شود. اقبال آنجا غنی را در حضور عظیم مبلغ اسلام، حضرت میر سید علی همدانی، در جنت الفردوس، بمشغول نغمه سرایی نشان داده است و در ضمن غنی بر اوضاع بد سیاسی کشمیر ناله هم کرده است.....

از تپ یاران تپیدم در بهشت
 کهنه غمها را خریدم در بهشت
 تا در آن گلشن صدای دردمند
 از کنار حوض کوثر شد بلند
 جمع کردم مشت خاشاکی که سوزم خویش را
 گل گمان دارد که بنم آشیان در گلستان(غنی، فرد)
 گفت رومی: "آنچه می آید نگر
 دل مده با آنچه بگذشت ای پسر
 شاعر رنگین نوا، طاهر غنی
 فقر او باطن غنی، ظاهر غنی
 نغمه ای می خواند آن مست مدام
 در حضور سید والا مقام

سید السادات، سالار عجم
 دست او معمار تقدیر امم.....
 این مشت پر کجا و سرود این چنین کجا
 روح غنی است، ماتمی مرگ آرزوی
 باد صبا اگر به جنیوا گذر کنی
 حرفی زما به مجلس اقوام باز گوی
 دهقان و کشت و جوی و خیابان فروختند

قومی فروختند و چه ارزان فروختند

اینجا اقبال به زبان غنی کشمیری، سیاستمداران کشمیری الاصل را تحسین کرده است که ایشان برای آزادی هند می کوشند. (ریاض، دکتر محمد، ۱۹۷۷م: ۲۴۶-۲۴۷)

محمد اصلاح میرزا در "تذکره شعرای کشمیر" می نویسد:

مؤلف . مشاهیر کشمیر. روایت دارد که : غنی وقتیکه در خانه می بود، درها را بسته می داشت، و وقتیکه بیرون میرفت درها را وا میگذاشت. کسی سبب این پرسید غنی گفت: در خانه اگر ثروت هست آن وجود من است، دیگر هیچ متاع ندارم که برایی حفاظت آن، درها را ببندم! علامه اقبال مرحوم این واقعه را در نظم سروده است. (اصلاح میرزا، محمد، ۱۳۴۶: ۹۹۰)

"غنی کشمیری"

غنی آن سخن گوی بلبلی صفیر

نوا سنج کشمیر مینو نظیر

چو اندر سرا بود، در بسته داشت

چو رفت از سرا تخته راوا گذاشت

یکی گفتش ای شاعر دل رسی

عجب دارد از کار تو هر کسی

بیاسخ چه خوش گفت میرد فقیر

فقیر و باقلیم معنی امیر

ز من آنچه دیدند یاران رواست

درین خانه جز من متاعی کجاست

غنی تا نشیند به کاشانه اش

متاعی گرانی است در خانه اش

چو آن محفل افروز در خانه نیست

تهی تر ازین هیچ کاشانه نیست

(کلیات اقبال فارسی، ۱۹۹۰م: ۲۸۶)

محمد ظفر خان در مقاله خود می نویسد:

The main topics of the ethical poetry of the Persian language are contentment, courtesy trust in God, obeisance, patience, generosity, liberality ,forgiveness etc. Molana Ghani whose poetry is based upon the foundation of classical poets has also dealt with these subjects.

The first and fore most thing is whether or not morals can be set right by education and training .Ghani's view is that all instructions prove futile unless the man is personally endowed with good qualities.

چو استعداد نبود کار از اعجاز نکشاید

مسیحا کی تواند کرد روشن چشم سوزن را"

(Zafar khan, Muhammad, 1957: 623)

ایم . ایل رحمان می نویسد:

"Ghani was one of those few poets who never eared the favours and frowns of kings and noble men. In spite of his learning and accomplishments, he never tried to attract the attention of the ruling king. He preferred the corner of his retirement to worldly and power ."

دگر می نویسد:

"Ghani composed all kinds of poems. He enjoys the reputation of having a great command over Persian language. His verses are known for their beauty and elegance". (Rahman, M.L, 1970: 159-158)

نبی هادی می نویسد:

"Ghani, Mulla Tahir(d.1079/1668) was one of the outstanding poets born in Kashmir..... A friend of Mirza Saib, he actively subscribed to the shaping of a new diction that later on received, particularly in Iran, the appellation of Sabk-i-Hindi. Its hallmark being "search and Inventiveness," the net result was a craze for metaphors bordering on ambiguity. Reaction set in, quite late of course, and Ghani ceased to be relevant without losing much of his prestige." (Hadi, Nabi, 1995:190)

نتیجه گیری:

از همه این مباحث مقام ارجمند شعر غنی در ادب فارسی روشن و مشخص می شود. اسم غنی کشمیری به طور يك شاعر بسیار معروف می باشد. در شعر سبک هندی به کار بردن تازه گویی، مضمون

آفرینی، معنی یابی، نازک بندی، خوش خیالی، تمثیل نگاری، مضامین بدیع و خیال انگیز و مضمون پردازی های ماهرانه وی باعث شدند که وی را در صف بزرگترین گویندگان سبک هندی آوردند. همه نامور ناقدان کلام، سخن سنجان و تذکره نویسان که خود نیز مذاق دقیق دارند و نکته بین هستند از قدرت فکر و دقت نظر او را تعریف و تمجید می کنند. ایشان نیز کلمات ستایش آمیزی برای او به کار می برند. شاعران معاصر و متاخرین نیز تنها شاعر فارسی سرای که از کشمیر است، غنی کشمیری را پیروی و تقلید کرده اند و از این طریق او را تحسین نمودند.

کتابشناسی

منابع فارسی:

- ###- آرزو، سراج الدین علی خان (۱۳۸۵ش) تذکره مجمع النفائس، به کوشش دکتر مهر نور محمد خان با همکاری دکتر زین النساء علی خان، جلد دوم؛ اسلام آباد: مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان.
- ###- احمد، دکتر ظهور الدین (۱۳۸۷ش) تاریخ ادب فارسی در پاکستان (از زمان جهانگیر تا زمان اورنگزیب عالمگیر)، تحشیه و تدوین: دکتر شاهد چوهدری، تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
- ###- اخلاص، کشن چند (۱۹۷۳م) همیشه بهار، مرتبه دکتر وحید قریشی، کراچی: انجمن ترقی اردو پاکستان.
- ###- اصلح میرزا، محمد (۱۳۴۶) تذکره شعرای کشمیر، بخش دوم، گرد آورده سید حسام الدین راشدی، کراچی: اقبال اکادمی.
- ###- اقبال، علامه محمد (۱۹۹۰م) کلیات اقبال فارسی، لاهور: ناشر پروفیسر شهرت بخاری، به اهتمام اقبال اکادمی پاکستان.
- ###- انوشه، حسن (۱۳۸۰) دانشنامه ادب فارسی، ادب فارسی در شبه قاره، عنوان مقاله غنی کشمیری، مقاله نگار اختر رسولی، جلد چهارم، بخش سوم، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ###- بلگرامی، غلام علی آزاد (۱۹۱۳م) مآثر الکرام موسوم به سرو آزاد، به تصحیح عبدالله خان و به اهتمام مولوی عبدالحق، دفتر ثانی، حیدرآباد، دکن: کتب خانه آصفیه.
- ###- تیکو، دکتر گرداری لعل (۱۳۴۲ش) برگزیده از پارسی سرایان کشمیر، تهران: انتشارات انجمن ایران و هند.
- ###- داری، دکتر احمد تمیم (۱۳۷۳ش) عرفان و ادب در عصر صفوی، بخش دوم، چاپ اول، تهران: انتشارات حکمت
- ###- داغستانی، علی قلی واله (۱۳۸۴) تذکره ریاض الشعراء، تصحیح و تحقیق محسن ناجی نصر آبادی، جلد سوم، تهران: انتشارات اساطیر
- ###- زرین کوب، دکتر عبدالحسین (۱۳۷۱ش) سیری در شعر فارسی، چاپ سوم، تهران: انتشارات علمی
- ###- سرخوش، محمد افضل (۱۹۴۲م) کلمات الشعراء، به تصحیح صادق علی دلاوری، لاهور: شیخ مبارک علی ایند سنز
- ###- سنبهلی، میر حسین دوست حسینی (۱۲۹۲) تذکره حسینی، لکهنو: چاپ سنگی

###-صفا ، دکتر ذبیح الله (۱۳۷۳) تاریخ ادبیات در ایران ، جلد پنجم ، بخش دوم، تهران: انتشارات فردوس

###-عائشه، قنديل (دوره تحصیلی: ۲۰۰۳-۲۰۰۵م) تناسبات معنوی در شعر غنی کشمیری، پایان نامه برای اخذ درجه دانشوری، گروه زبان و ادبیات فارسی، لاهور: دانشکده خاور شناسی، دانشگاه پنجاب

###-غنی کشمیری ، محمد طاهر (۱۳۶۲) دیوان غنی کشمیری ، به کوشش احمدکرمی، چاپ اول ، تهران: سلسله نشریات ما

###-غنی کشمیری، ملا محمد طاهر (۱۹۱۵م) دیوان غنی ، به کوشش مسلم صنعی، لکهنو: چاپ نولکشور

###-گوپاموی، محمد قدرت الله (۱۳۸۷ش) تذکره نتایج الافکار، تصحیح یوسف بیگ باباپور، قم ، ایران: نشر مجمع ذخائر اسلامی

###-لکهنوی ، آفتاب رای (۱۹۷۲م) ریاض العارفین ، بتصحیح ومقدمه سید حسام الدین راشدی، بخش دوم، اسلام آباد: انتشارات مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان

###-لودی، شیر علی خان (۱۳۷۷ش) تذکره مرآة الخیال ، به اهتمام حمید حسنی باهمکاری بهروز صفرزاده، ایران: انتشارات روزنه

###-نصر آبادی، میرزا محمد طاهر (۱۳۶۱) تذکره نصر آبادی، با تصحیح وحید دستگیری، تهران: کتابفروشی فروغی

منبع اردو:

###-ریاض ، دکتر محمد (۱۹۷۷م) اقبال اور فارسی شعراء، لاهور: اقبال اکادمی پاکستان

منابع انگلیسی:

###- Hadi, Nabi (1995) Dictionary of Indo Persian Literature, foreword by Kapila Vatsyayan, New Delhi, India : Indira Gandhi National Centre for the Arts Abhinav Publications

###- Rahman, M.L (1970) Persian Literature in India during the time of Jahangir and Shah Jahan , Baroda,India: Department of Persian and Urdu, The M.S. University of Baroda

###- Zafar Khan, Muhammad (1957) Persian poets of Kashmir of Mogal Period, Ph.D thesis